

طراحی الگوی رابطه مدیریت فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲

حسین اشتری فر^۱، سیدرضا صالحی امیری^۲

از صفحه ۳۱ تا ۶۰

چکیده

زمینه و هدف: سبک زندگی ایرانی-اسلامی، می‌تواند از عوامل مختلف اثر پذیرد؛ در این میان مدیریت فرهنگی و ابعاد آن نیز به عنوان شاخصی از وضعیت زیستی، روانی و اجتماعی، می‌تواند پیش‌بینی کننده سبک زندگی ایرانی-اسلامی باشد. این پژوهش با هدف رابطه مدیریت فرهنگی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی شهروندان در شهر تهران انجام گرفته است.

روش‌شناسی: این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش، توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شهروندان ساکن در شهر تهران در سال ۱۳۹۵ است که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۶۲۰ نفر تعیین شده و شیوه نمونه‌گیری نیز به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای متناسب با حجم بوده است. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد شده، برای متغیر سبک زندگی ایرانی-اسلامی و پرسشنامه محقق ساخته، برای متغیر مدیریت فرهنگی استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، علاوه بر استفاده از روش‌های آمار توصیفی، از آزمون رگرسیون و الگوی معادلات ساختاری (لیزرل) استفاده شده است.

یافته‌ها: بر اساس تحلیل رگرسیونی انجام شده، مؤلفه‌های متغیرهای مستقل برنامه‌ریزی فرهنگی، سازمان‌دهی فرهنگی، بسیج منابع و امکانات فرهنگی و هدایت و رهبری فرهنگی از ابعاد مدیریت فرهنگی با متغیر سبک زندگی ایرانی-اسلامی ارتباط معناداری دارند که در این بین به ترتیب، متغیر برنامه‌ریزی فرهنگی، هدایت و رهبری فرهنگی، سازمان‌دهی فرهنگی و بسیج منابع و امکانات، تغییرات سبک زندگی ایرانی-اسلامی را تبیین می‌کنند؛ اما مؤلفه کنترل و نظارت فرهنگی، توان پیش‌بینی حیطه سبک زندگی ایرانی اسلامی را ندارد.

نتیجه‌گیری: بین مدیریت فرهنگی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی آنان، رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه یک رابطه مثبت و ضعیف است؛ همچنین از میان مؤلفه‌های پنج‌گانه مدیریت فرهنگی، ارتباط برنامه‌ریزی فرهنگی، سازمان‌دهی فرهنگی، بسیج منابع و امکانات فرهنگی و هدایت و رهبری فرهنگی، با متغیر سبک زندگی ایرانی-اسلامی رابطه مثبت و مستقیمی داشتند.

کلیدواژه‌ها

سبک زندگی ایرانی-اسلامی، الگوی سبک زندگی، شهروندان شهر تهران.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت امور فرهنگی (نویسنده مسئول)، fpmpmp@police.ir

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

سبک زندگی، به تمامی مبانی و اصولی که متن و بطن حیات اجتماع و انسان را شکل می‌دهد، گفته می‌شود و از ارزش‌های دینی و عرفی جامعه نشئت می‌گیرد. سبک و سلوک زندگی حاکم بر جوامع؛ نمایانگر فرهنگ، جهان‌بینی و اعتقادات آن جامعه است که در شیوه و نوع حیات افراد جامعه تبلور یافته است. سبک زندگی، نوع دیدگاه و باورهای اصیل و اعتقادات مردم را نشان می‌دهد. شیوه و نوع زندگی مردم، مهم‌ترین بخش از عرصه حیات اجتماعی را تشکیل می‌دهند؛ از این رو، پیروی مردم یک جامعه از سبک و شیوه زندگی اصیل و بومی، لازمه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی است (آقایی، ۱۳۹۱: ۴۳). سبک زندگی ایرانی- اسلامی، آغاز و مقدمه‌ای برای تمدن‌سازی نوین اسلامی و درنهایت تحقق پیشرفت و توسعه ایرانی- اسلامی است. پیروی از سبک زندگی اسلامی و درونی‌سازی آن در بطن جامعه، آغازی برای اجرای اصول دینی و تحقق آرمان‌ها و اهداف اسلامی در جامعه است. لازمه این امر، تبعیت از احکام و فرهنگ دینی و پرهیز از الگوهای غربی سبک زندگی است. رواج ارزش‌های غربی و فرهنگ بیگانه در جامعه، مانعی در مسیر رشد و توسعه بوده و موجب غفلت از هنجارهای اجتماعی و فرهنگ دینی و درنهایت عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی می‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایل نیاز به تمدن‌سازی نوین اسلامی، تهاجم فرهنگی غرب و تحمیل سبک زندگی غربی در جوامع اسلامی است. با توجه به اینکه ارزش‌ها و فرهنگ غربی با هنجارها و اعتقادات جامعه ما در تضاد است؛ بسط سبک زندگی غربی، مانعی بزرگ در مسیر تحقق پیشرفت و توسعه تلقی می‌شود؛ از این رو، گسترش سلوک حیات دینی از ضروریات جامعه است؛ یعنی اینکه ارائه تفسیری توحیدی از زندگی بر مبنای خدامحوری، با سبک زندگی انسان مدارانه‌ی غربی متفاوت است (آقاباقری، ۱۳۹۳: ۵۱).

برای تثبیت جامعه اسلامی با تمامی خصوصیات و شاخص‌های مربوط به خود، باید شیوه و سلوک زندگی اسلامی نیز در بطن جامعه درونی شود؛ بدین معنا که اصول و احکام دینی، زمانی می‌تواند به طور کامل در جامعه اجرا شود که سبک زندگی اسلامی در بین اعضای جامعه گسترش یابد. اگر الگوها و شیوه‌های زندگی بیگانه و

غربی در جامعه وجود داشته باشد؛ مانعی بزرگ در مسیر تشکیل جامعه اسلامی و اجرای اصول دینی است؛ زیرا ارزش‌ها و هنجارهای غیر اسلامی و غربی با فرهنگ و باورهای رایج در جامعه منافات دارد. از سوی دیگر، تحقق اصول و آرمان‌های دینی در جامعه، زمینه‌ای برای گسترش سبک و نوع زندگی در جامعه است و این دو مکمل همدیگر محسوب می‌شوند. سبک و سلوک زندگی، متن تمدن‌سازی نوین اسلامی را تشکیل می‌دهد (دالوندی، ۱۳۹۱: ۶۵). برای نیل به اهداف و آرمان‌های جامعه و موفقیت در زمینه اقتصادی و سیاسی، باید سبک زندگی بومی و دینی را در بین مردم گسترش داد. چنین حیاتی متفاوت از شیوه زندگی غربی است و با ارزش‌های اصیل و هنجارهای بومی سازگاری دارد. آن چیزی که متن زندگی انسان را تشکیل می‌دهد؛ همان سبک زندگی است و باید در جهت گسترش آن، برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داد. سبک زندگی اسلامی و اصیل، موجب ارتقای فرهنگ عمومی جامعه و قرارگیری آن در مسیر هنجارها و اصول اجتماعی می‌شود؛ در این راستا، وجدان کاری و انضباط اجتماعی در بین اعضای جامعه افزایش می‌یابد و آنان با پایبندی به معیارها و قواعد سبک زندگی خود می‌توانند انضباط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را ارتقا دهند؛ چرا که اصول و هنجارهای بیگانه با بطن و کالبد جامعه تضاد داشته و موجب غفلت از فرهنگ اصیل و ارزش‌های بومی در جامعه می‌شود؛ در مقابل، پایبندی به سبک زندگی بومی، باعث تحقق اهداف جامعه می‌شود. سبک و شیوه زندگی، مؤلفه‌هایی چون تشکیل خانواده و ازدواج، نوع البسه و خوراک، مسکن و معماری، الگوی مصرف، تفریحات و شیوه گذران اوقات فراغت، روش معیشت و کسب و کار، نوع هنر، ادبیات و سینما و... را تشکیل می‌دهد. برای تمدن‌سازی نوین اسلامی باید در هر کدام از این بخش‌ها، فرهنگ‌سازی لازم صورت گیرد تا حیات اجتماعی و نوع زندگی مردم متناسب با باورها و فرهنگ بومی آنان جریان یابد (شریفی، ۱۳۹۱: ۶۳). باید این مسئله را در نظر داشت که موفقیت نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اعتقادی هر جامعه‌ای، به هویت‌سازی فرهنگی و اجرای رسوم، اعتقادات و فرهنگ بومی و سنتی آن بستگی دارد. این مسئله را می‌توان در نوع و شیوه زندگی تمامی کشورها مشاهده کرد؛ چنانکه کشورهای اروپایی در صدد گسترش فرهنگ غربی و شیوه زندگی اروپایی

و حتی آمریکایی در دیگر جوامع هستند؛ از این رو، با تبلیغات گسترده، فرهنگ و نوع زندگی و ارزش‌های غربی را در جوامع در حال توسعه و شرق بسط می‌دهند. به نظر می‌رسد عدم درک مفهوم فرهنگ و نپرداختن به کارکردهای مهم آن، باعث شده است که ضرورتی برای طرح مدیریت فرهنگی احساس نشود؛ در حالی که شکوفایی صحیح استعدادها و جلوگیری از انحرافات فرهنگی در گرو این امر است. ارتباط عمیق فرهنگ در جامعه دینی با باورهای دینی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی؛ مراجعه به قرآن، برای دریافت مبانی و راهکارهای مدیریت فرهنگی درست را ضروری می‌کند؛ بنابراین، در این جستار، برآنیم که به بررسی یکی از پایه‌های بنیادین مدیریت فرهنگی؛ یعنی «سبک زندگی اسلامی-ایرانی و مؤلفه‌های آن» بپردازیم. سبک زندگی به یک معنا، محصول و معلول باورها و ارزش‌ها است؛ یعنی شیوه زندگی هر فرد یا جامعه‌ای، وابسته به باورها و ارزش‌های حاکم بر آن فرد یا جامعه است (شریفی، ۱۳۹۱: ۸۳). سبک زندگی، روشی است که افراد در طول زندگی انتخاب کرده‌اند و زیربنای آن در خانواده پی‌ریزی می‌شود که در واقع متأثر از فرهنگ، نژاد، مذهب، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و باورها است. بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، «سبک زندگی» به روش زندگی مردم با بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. همچنین، ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد به الکل، دخانیات و ...) است که در پی فرایند اجتماعی شدن به وجود آمده است (استاگی و همکاران^۱، ۲۰۰۷: ۱۲۶). نوعی از سبک زندگی که تناسب زیادی با فرهنگ اسلامی-ایرانی و مدیریت فرهنگی جامعه ایران دارد؛ سبک زندگی اسلامی است که در آن عمق عواطف، نگرش‌های فرد و اعتقادات وی سنجیده نمی‌شوند، بلکه رفتارهای فرد مورد سنجش قرار می‌گیرند؛ اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد. یکی از عوامل مؤثر در سبک زندگی اسلامی، آن است که اسلام و سبک زندگی اسلامی، به صورت همه یا هیچ نمی‌باشد؛

1. Estagi

بلکه یک پیوستار بزرگ است که مراتب پایین، متوسط و بالا دارد. پیوستاری بودن اسلام و سبک زندگی اسلامی، از آیات و روایات متعددی برمی آید. خداوند به ایمان آورده‌ها، دوباره امر به ایمان آوردن می‌کند (نساء: ۱۲۶). این نکته اشاره به مراتب ایمان دارد. قرآن در وصف منافقان که از رفتن به جبهه به بهانه‌های واهی اجتناب می‌کردند؛ می‌فرماید: «آن‌ها امروز به کفر نزدیک‌ترند یا به ایمان»؟ (آل عمران: ۱۶۵) که نگاه پیوستاری را نشان می‌دهد. در روایات آمده است؛ امام صادق (ع) به ایمان بسان نردبانی نگاه می‌کنند که باید پله‌ها یکی پس از دیگری پیموده شوند (کلینی، ۱۳۸۸: ۴۹). اخلاق و روان‌شناسی، به هر دو بُعد روانی و جسمانی سبک زندگی توجه دارد (کجباف و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۳). اولین بار «آلفرد آدلر» از بین روان‌شناسان، سبک زندگی را مطرح کرد؛ سپس توسط پیروان او گسترش یافت. آنان به تفصیل در مورد سبک زندگی، شکل‌گیری آن در دوران کودکی، نگرش‌های اصلی سبک زندگی، وظایف اصلی زندگی و تعامل آن‌ها با یکدیگر بحث کرده و آن‌ها را در قالب درخت سبک زندگی نشان داده؛ مفاهیم ارزشی و انسان‌شناختی و فلسفی را مطرح کرده و تمام زندگی را به صورت یکپارچه به تصویر کشیدند (کاوایانی، ۱۳۹۰: ۷۲). لیم و پوتنام^۱ (۲۰۱۰)، در پژوهشی نشان دادند که افراد مذهبی، از مدیریت فرهنگی بیشتری در سطح جامعه برخوردارند. هدی، اسچاپ و تاکی واگنر^۲ (۲۰۱۰) نشان دادند که افراد مذهبی، از مدیریت فرهنگی بیشتری در سطح جامعه برخوردارند و بالعکس؛ افرادی که از نظر مذهبی ضعیف‌ترند، مدیریت فرهنگی کمتری در جامعه دارند. بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش دالوندی و همکاران (۱۳۹۱) انحراف از اعتدال فکری، اعتقادی و رفتاری؛ به عنوان متغیر مرکزی یا مشکل اساسی روانی-اجتماعی پدیده سبک زندگی سلامت‌محور بر مبنای فرهنگ اسلامی تعیین شد (دالوندی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۷).

مروری بر تحقیقات انجام شده، نشان می‌دهد که علت عمده‌ی ضعف مدیریت فرهنگی در جوامع امروزی و به خصوص در جامعه اسلامی ما تا حد زیادی با سبک

1. Lima & Putnam

2. Headey, Schupp, Tucci & Wagner

زندگی مرتبط است (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۳) و داشتن یک مدیریت فرهنگی بالا، پیش‌بینی کننده‌ی مهمی، برای سبک زندگی ایرانی-اسلامی و میزان مثرثمر بودن فرهنگی محسوب می‌شود (فاهی، اینسل و روث^۱، ۲۰۰۹: ۲۱۲). متأسفانه روند و جریان‌های کلی، حکایت از گرایش و حرکت جوامع به سمت رفتارها و سبک‌های زندگی ناسالم و ضعف مدیریت فرهنگی دارد (رنسبورگ و سوروجلال^۲، ۲۰۱۳) و بر اساس تحقیقات انجام شده، افزایش گرایش و پذیرش سبک‌های زندگی متعلق به دنیای غرب، منجر به ضعف مدیریت فرهنگی در کل جوامع شده‌است (کاپیانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۲). باوجود اهمیت بسیار زیاد و تعیین‌کننده‌ای که سبک زندگی روی رفتارهای مختلف افراد دارد؛ کارهای پژوهشی بسیار کمی در این خصوص انجام گرفته؛ به خصوص سبک زندگی اسلامی که زیاد مورد توجه شایسته قرار نگرفته است؛ بنابراین با توجه به ضعف مدیریت فرهنگی و به دنبال آن تهاجم فرهنگی غرب و از همه مهم‌تر پیامدهای مخرب و ویرانگر فرهنگ غرب در جامعه، این سؤال مطرح می‌شود که آیا بین مدیریت فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی رابطه معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری: سبک زندگی ایرانی-اسلامی: سبک زندگی ایرانی-اسلامی، در این تحقیق از ترکیب ۱۰ مقیاس حاصل شده است. این آزمون را که کاپیانی (۱۳۸۸) ساخته و روایی آن را تأیید کرده است، ۷۵ آیتم دارد که پاسخگویان باید با توجه به وضعیت فعلی زندگی خود، به هر کدام در یک طیف ۵ درجه‌ای «از خیلی کم تا خیلی زیاد» پاسخ دهند. هر آیتم با توجه به اهمیتش، ضریبی بین ۱ تا ۵ می‌گیرد. نمره کل آزمودنی، حداقل ۷۵ و حداکثر ۳۷۵ خواهد بود. ۱۰ شاخص زیر مقیاس‌های این آزمون را تشکیل می‌دهند که عبارت‌اند از: شاخص اجتماعی (۱۱ آیتم)، باورها (۶ آیتم)، عبادی (۶ آیتم)، اخلاق (۱۱ آیتم)، مالی (۱۲ آیتم)، خانواده (۸ آیتم)، سلامت (۷ آیتم)، تفکر و علم (۵ آیتم)، امنیتی - دفاعی (۴ آیتم) و زمان‌شناسی (۵ آیتم).

مدیریت فرهنگی: برای عملیاتی کردن مفهوم مدیریت فرهنگی - به عنوان متغیر

1. Fahey, Insel & Roth

2. Surojalal

مستقل - در این تحقیق از شاخص‌های برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع، هدایت و کنترل آن‌ها استفاده می‌کنیم. این متغیر در این تحقیق، نمره‌ای است که از طریق پرسشنامه مدیریت فرهنگی به دست می‌آید. پرسشنامه ارزیابی مدیریت فرهنگی، به بررسی در قالب برنامه‌ریزی فرهنگی، سازمان‌دهی فرهنگی، بسیج منابع و نیروهای فرهنگی، هدایت و رهبری فرهنگی و کنترل و نظارت فرهنگی می‌پردازد. در این تحقیق، تمام الگوهای مدیریت فرهنگی، به صورت ترتیبی و در مقیاس لیکرت سنجیده شده‌اند.

بر اساس انواع تعاریف ارائه شده در خصوص سبک زندگی، منظور از سبک زندگی ایرانی اسلامی آن است که مسلمانان تمامی حرکات و رفتارهای فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و در حقیقت همه ابعاد زندگی خود را بر دستورات و تعلیم و آموزه‌های اسلامی منطبق کنند؛ بنابراین در این تحقیق ما ۱۰ بُعد اجتماعی، عبادی، باورها، اخلاقی، خانوادگی، سلامت، تفکر، امنیتی، زمان‌شناسی و مالی آن را در نظر گرفتیم. از طرفی از آنجایی که سبک زندگی ایرانی-اسلامی، نوعی بُعد عینی و کمیّت‌پذیر شخصیت افراد است که از عوامل فرهنگی، اجتماعی و روانی نیز تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین توجه به نقش مدیریت فرهنگی و انواع اجزای آن (برنامه‌ریزی فرهنگی، سازمان‌دهی فرهنگی، بسیج منابع و نیروهای فرهنگی و ...)، در توضیح و تبیین سبک زندگی ایرانی-اسلامی و رابطه بین این دو را بررسی کردیم.

بعد از کندوکاو مربوط به موضوع تحقیق، اکنون نوبت آن است که ضمن برقراری عمل این نظریه‌ها در رابطه با مدیریت فرهنگی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی، یک چارچوب نظری تلفیقی انتخاب کرده و با بازسازی آن، متغیرها و الگوی تحقیق خود را ارائه کنیم. همان‌طوری که از بررسی نظریه‌ها پیداست؛ در مورد مدیریت فرهنگی و رابطه آن با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، نظریه منسجمی وجود ندارد؛ بنابراین چاره‌ای نداریم جز این که اجزا و عناصر مفید و عملی پاره‌ای از نظریه‌های مدیریت فرهنگی را انتخاب کنیم.

از جمله نظریه‌پردازهایی که مدیریت فرهنگی و مؤلفه‌های آن را به خوبی تبیین کرد؛ نظریه‌پرداز معروف، «اسکارهو» بود. اسکارهو، الزامات مدیریت فرهنگی را به دو

انتخاب که هر کدام دربرگیرنده اهدافی هستند طبقه‌بندی کرد: ۱- انتخاب‌های خاص: این مرحله سه هدف زیر را در برمی‌گیرد: مدیریت عمومی و مدیریت منابع انسانی؛ کاربرد فناوری اطلاعات (IT) در سازمان فرهنگی؛ وظیفه تجاری مدیریت. ۲- انتخاب‌های عام: این گزینه شامل دو هدف است: الف) مطالعات ساختاری؛ ب) مطالعات فرهنگی دیداری (بصری). پس در یک بررسی کلی می‌توان گفت که در تقسیم‌بندی اسکارهو از الزامات مدیریت فرهنگی، با توجه به بحث اساسی این تحقیق که رابطه مدیریت فرهنگی با سبک زندگی ایرانی- اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ این انتخاب‌های خاص (بسیج منابع انسانی، سازمان‌دهی فرهنگی و ...) است که پرسش از سبک زندگی ایرانی- اسلامی و نحوه مدیریت آن را پیش می‌کشد و با بومی کردن الزامات الگوی مدیریت فرهنگی (انسجام فرهنگی، سازگاری فرهنگی و ...)، مدیریت فرهنگی را به لحاظ سبک زندگی ایرانی- اسلامی افزایش می‌دهد. الگوی اسکاربرو، الزامات عملی تفاوت‌های فرهنگی را نخست از نقطه‌نظر اختلافات عمده در ارزش‌ها (سبک زندگی ایرانی- اسلامی) که در فرهنگ مسلط شده‌اند و سپس چگونگی مدیریت ویژه در جهتی که ممکن است منجر به به‌روزرسانی و تغییر فرهنگی با هدف نهایی همگرایی و اشتراک‌سازی فرهنگی شود؛ مورد بررسی قرار داده است. وی شش عامل را به عنوان الزامات مدیریت فرهنگی معرفی کرده و شناخت و توجه به آن‌ها را در برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی مورد تأکید قرار داده است. پس می‌توان نتیجه گرفت که به نظر اسکاربرو، سازمان‌ها زمانی موفق می‌شوند که مدیران آن‌ها معمولاً از پذیرش ریسک و خطر خودداری می‌کنند و عامل ثبات، امنیت و ایجاد انگیزش هستند و نقش مدیران فرهنگی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی و کنترل سبک زندگی ایرانی- اسلامی خلاصه می‌شود.

از نظر «کولز» تفاوت‌های ارزشی (سبک زندگی ایرانی- اسلامی) بین فرهنگ‌های غربی و غیرغربی را که می‌تواند رویکردهای ارزشی متفاوتی بر روی جنبه‌های آموزشی و انگیزشی مدیران در مدیریت پروژه‌های فرهنگی به همراه داشته باشد (عبادی، اجتماعی، اخلاق، مالی و ...)؛ با مقایسه شاخص‌ها و ارزش‌های هر دو فرهنگ، اثرات مثبت و منفی ترکیب ارزش‌های هر دو فرهنگ بر مدیریت پروژه‌های فرهنگی

مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج تحقیقاتی که توسط پیترز واترمن در مورد سازمان‌ها مترقی صورت گرفته، نشان داده است که وجود ارزش‌ها و باورهای اساسی (سبک زندگی ایرانی-اسلامی) در این سازمان‌ها، موجبات ترقی و پیشرفت آن‌ها را فراهم کرده؛ بنابراین این باورهای اساسی را می‌توان شامل: اعتقاد به بهترین بودن، اعتقاد به مهم دانستن جزئیات کار و خوب انجام دادن آن، اعتقاد به اهمیت یکایک افراد، اعتقاد به کیفیت عالی فرآورده و خدماتی که همراه آن است، اعتقاد به آنکه بیشتر اعضای سازمان باید نوآور باشند و در نتیجه آماده باشند که از ناکامی پشتیبانی کنند، اعتقاد به اهمیت حالت غیررسمی به‌منظور بالا بردن میزان تماس و ارتباط میان افراد سازمان، اعتقاد به پذیرفتن اهمیت رشد و منافع اقتصادی دانست که به نوعی پرسش از سبک زندگی ایرانی-اسلامی را پیش می‌کشد.

بنابراین با توجه به نظریه‌های اسکاربرو که به نقش مدیران فرهنگی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی و کنترل اشاره کرده و نظریه‌های کولز که در آن‌ها تفاوت‌های ارزشی (سبک زندگی ایرانی-اسلامی) بین فرهنگ‌های غربی و غیرغربی مورد ارزیابی قرار گرفته البته با توجه به نظریه‌های پیترز واترمن؛ می‌توان عوامل زیر را به عنوان ابعاد مدیریت فرهنگی، در چارچوب نظری قرار داد.

- برنامه‌ریزی فرهنگی؛

- سازمان‌دهی فرهنگی؛

- بسیج منابع فرهنگی؛

- هدایت و رهبری فرهنگی؛

- کنترل و نظارت فرهنگی.

اما در نظریه‌های مرتبط با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، سعی شد تا به بسط نظریه‌های جامعه‌شناختی در خصوص رابطه سبک زندگی با مدیریت فرهنگی پرداخته شود. از آنجایی که مدیریت فرهنگی، یک مفهوم پیچیده و چندبعدی است که با عوامل روانی-جسمانی و اجتماعی ارتباط دارد و از طرفی، متغیر مستقل این تحقیق نیز مدیریت فرهنگی است که خود به نظر می‌رسد یکی از عواملی است که سبک زندگی را تبیین می‌کند؛ بنابراین محقق، از نظریه‌های سبک زندگی در سطح

کلان و جامعه‌شناسی استفاده می‌کند تا بتوان رابطه بین سبک زندگی و مؤلفه‌های آن را با مدیریت فرهنگی تبیین کرد. پس به طور کلی در این دیدگاه، دو نوع نظریه، از یکدیگر تفکیک شدند.

در اینجا دو دسته از نظریه‌های «وبر» برای ما حائز اهمیت و قابل استفاده است: الف) نظریه‌های او در خصوص قشربندی اجتماعی و متعاقب آن، مفاهیم ثروت و منزلت است که به عنوان شاخص‌های سنجش پایگاه اجتماعی - اقتصادی در این کار مورد استفاده قرار خواهد گرفت. ب) آرای وبر در خصوص سبک زندگی به عنوان یکی از نخستین جامعه‌شناسان کلاسیکی که به این موضوع پرداخته است. از نظر «وبلن» یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی، مصرف تظاهری در بین طبقات مختلف جامعه است. «زیمل» نخستین جامعه‌شناسی بود که به جهان فراغت و مصرف‌گرایی توجه کرد. او مفهوم «مد» را از اصلی‌ترین پدیده‌های جامعه مصرفی می‌داند. از نظر او، یکی از کارکردهای مصرف، توانایی افراد مختلف در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت است که پیامدهای آن، می‌تواند به رضایت افراد منجر می‌شود. پس با توجه به این نظریه‌ها، می‌توان این‌چنین بیان کرد که یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی، فراغت و مصرف‌گرایی است و همچنین بر اساس این نظریه‌ها، می‌توان دو بعد اصلی سبک زندگی که شامل فعالیت‌های فراغتی و مصرف است را در چارچوب نظری قرار داد.

در نظریه‌های بقیه جامعه‌شناسان مدرن نیز می‌توان به نظریه گیدنز، بوردیو و کاکرام اشاره کرد که آنان سبک زندگی را متأثر از عوامل بسیاری مانند، عامل اقتصادی، ارزش و نگرش‌ها دین، زمینه‌های اجتماعی و ... می‌دانند. گیدنز از جمله کسانی است که معتقد است؛ در جامعه مدرن، سبک زندگی چیزی فراتر از شغل‌های مورد علاقه و کالاهای مصرفی است و رفتارها و باورها را نیز شامل می‌شود. وی معتقد است که بررسی میزان و نوع تأثیرگذاری مدرنیته بر مقولاتی مانند: شخصیت، رفتار، فرهنگ و هویت فردی و اجتماعی در گرو ارائه ارزیابی و تحلیل تازه از مدرنیته و جهانی شدن و رابطه آن با مفهوم خود است. وی از اشکال منتخبی (خود-انتخابی) از مصرف‌گرایی سخن می‌گوید که سبک زندگی افراد را مشخص می‌کند و متضمن انتخاب انواع خاصی از غذا، پوشاک، مسکن، خودرو، عادات کاری، اشکال مختلف

تفریح یا فراغت و انواع دیگر از رفتار منزلت‌جویانه است که در عین حال توسط موقعیت اجتماعی افراد و امکان و میزان دسترسی آنان به منابع اقتصادی و فرهنگی مشروط می‌شود.

به اعتقاد بوردیو، شکل‌گیری سبک‌های زندگی، متناسب با ساخت اجتماعی صورت می‌گیرد. سبک‌های زندگی، حالتی از انباشتگی سرمایه‌ها در فضای اجتماعی است که با توجه به منش فردی به وجود می‌آید. همچنین افراد در فضای اجتماعی، فعالیت‌ها و کنش‌های غایت‌مندی را بر اساس علایقشان انجام می‌دهند و از راه‌های مختلفی برای دستیابی و ارضای علایق استفاده می‌کنند؛ مثل سرگرمی‌ها، بازی، ورزش، روابط اجتماعی، فرهنگ و ...؛ رسیدن به این علایق، می‌تواند هم در حوزه عمومی باشد و هم خصوصی. به پیروی از چارچوب فکری و نظری بوردیو؛ همچنین به کمک آرای ترنر - پیرامون تغییرات دینی و تأثیر بر سبک‌های زندگی در جهان مدرن می‌توان بررسی کرد که چگونه شیوه‌های مختلف تملک سرمایه (از جمله سرمایه مذهبی) در داخل یک طبقه، منظومه‌های متفاوتی از ذوق و قریحه به بار می‌آورد که همراه است با توقعات متفاوت بسیار تمایز یافته‌ای در مورد مصرف هنری، اثاثیه، تزئین منزل، فعالیت‌های فراغتی، مدیریت بدن و ... که در واقع مؤلفه‌های سبک زندگی به شمار می‌روند (بوردیو، ۱۳۸۹: ۹۵). پس، افراد مختلف با گونه‌های متفاوت مذهبی (میزان پایین یا بالای گونه‌های مذهبی) دارای سلیق و ذائقه‌های متمایز و تاحدی متضاد در نحوهٔ خوراک، پوشاک، اوقات فراغت، مدیریت بدن و ... می‌شوند و در نهایت سبک‌های زندگی آن‌ها تحت نفوذ دین، یا کاهش نفوذ دین شکل سنتی یا مدرن می‌گیرد.

از سوی دیگر، پس از تعریف سبک زندگی از دیدگاه‌های مختلف متخصصان و بررسی پیشینه تحقیق، ما با توجه به سبک زندگی ایرانی-اسلامی، ابعاد و شاخص‌های تشکیل‌دهنده سبک زندگی ایرانی-اسلامی را مشخص کردیم. سبک زندگی ایرانی-اسلامی از ده شاخص کلی شامل: ۱- شاخص اجتماعی، ۲- شاخص عبادی، ۳- شاخص باورها، ۴- شاخص اخلاق، ۵- شاخص مالی، ۶- شاخص سلامت، ۷- شاخص خانواده، ۸- شاخص تفکر و علم و ۹- شاخص زمان‌شناسی تشکیل شده

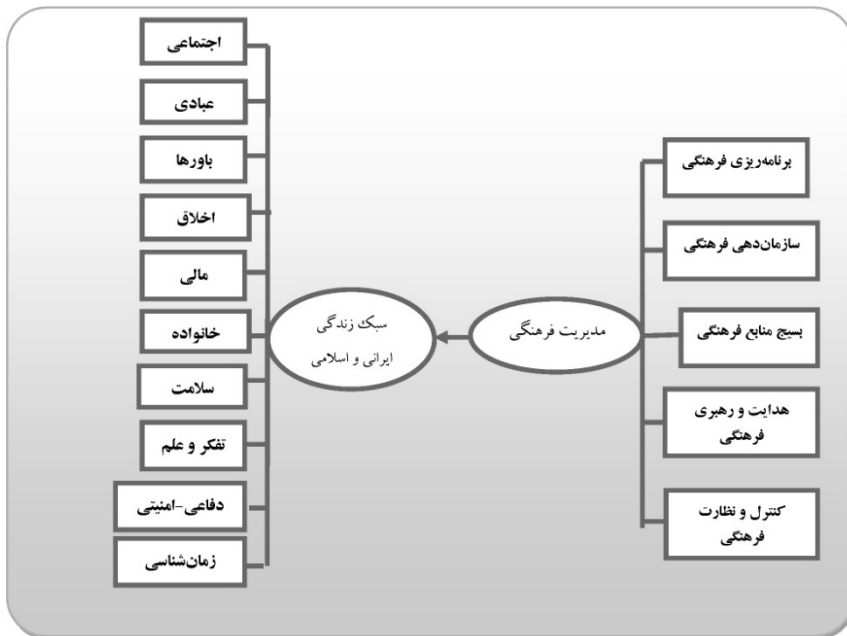
است. مؤلفه‌های اعتقادی در سبک زندگی نیز شامل سبک زندگی مبتنی بر ایمان، پایبندی انسان به آموزه‌های دینی، باور به خدا پس از مرگ، پذیرش رهبری و امامت و عدل الهی در حوزه تکوین و تشریح است و به مواردی همچون بهشت، جهنم و حشر انسان توجه دارد.

باور به توحید در سبک زندگی ایرانی- اسلامی، ریشه اصلی مطلوب در جامعه انسانی با کسب فضائل اخلاقی و نیت قرب به خدا، برترین ارزش‌ها برای فعل اخلاقی است. اخلاق در این سبک زندگی مطلوب باید مبتنی بر توحید، بصیرت، دین پروری باشد و عشق به خداگرایی طلیعه فضائل اخلاقی در دین داری مطلوب انسان‌ها است؛ زیرا کسی که عاشق کمال‌الملک هستی است؛ عاشق تابلوهای او نیز هست و عشق حقیقی و الوهی از اصلاح ذات‌البین و حاکمیت حقیقی آن در جامعه اسلامی نشئت گرفته است که به نوعی از عشق به بندگان خداوند به عنوان غزل‌های خداوندی و مؤثر در سبک زندگی دینی و دین داری مطلوب انسانی سرچشمه می‌گیرد. تصویری که از «سبک زندگی اعتقادی» وجود دارد در سه سطح مطرح می‌شود: الف) فردی، ب) خانوادگی (با قدری مسامحه، ج) اجتماعی؛ یعنی ما با نگاه دینی می‌خواهیم ببینیم که یک «فرد» و یک «خانواده» و یک «جامعه» باید چه سبک زندگی اعتقادی داشته باشد. آنچه تا حدی به آن پرداخته شده، «سنجش سبک زندگی اعتقادی فرد» است؛ یعنی یک فرد سبک زندگی‌اش چگونه باید باشد؟ در مؤلفه‌های مختلف، سبک زندگی چه مسیری را باید طی کند؟ نگاه اقتصادی‌اش چگونه باید باشد؟ نگاهش به مسائل سیاسی چگونه باشد؟ تصمیم‌گیری‌هایش در مسائل سیاسی و حضورش در مسائل اخلاقی، خانوادگی و تربیتی و ... چگونه باشد؟ این‌ها مسائلی است که باید از آیات و روایات، به گونه‌ای استخراج و بیان شود که برای کسی که اصلاً مسلمان نیست و تازه می‌خواهد به اسلام نظر بیندازد، قابل ادراک باشد؛ یعنی عقلانیت آن را بسنجد (کاویانی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

با حفظ این سه پیش فرض، نوبت به مطالعه و مباحثه پیرامون زیرمجموعه‌های این سیستم مفهومی می‌رسد. حرف‌های بسیار زیاد و مهمی که برای غیرمسلمان‌ها و حتی برای دانشگاه‌های اسلامی خودمان می‌توانیم ارائه کنیم؛ مربوط به همین بخش

است؛ برای مثال، یکی از زیرسیستم‌های آن سیستم مفهومی، نظام تربیتی اسلام است. نظام تربیتی باید به گونه‌ای ترسیم شود که ویژگی‌های یک سیستم مفهومی فرعی را داشته باشد؛ یعنی اجزای آن نباید با هم تعارض داشته باشند. نباید آنچه در فضای تربیتی دیده می‌شود، جایش در این نظام خالی باشد؛ باید جامع و مانع باشد؛ قابل اجرا و کاربردی باشد و بسیاری موارد دیگر. به همین قیاس، سیستم‌های مفهومی فرعی در حیطه‌های سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و ... هم باید این گونه باشند. سبک زندگی مدنظر در دیدگاه اسلامی، بر این اساس است و می‌دانیم که در هر کدام از این زیر سیستم‌ها، کمبودهایی داریم. کارهای بسیاری است که انجام نشده باقی مانده است. وقتی این کارها انجام شد، باید این نظام‌ها کنار هم قرار گیرند و در طول زمان بتوانند یک سیستم مفهومی اسلامی ترسیم کنند تا در نهایت در قاعده مخروط به جایی برسیم که رفتارهای جزئی تک تک ما را که در سبک زندگی با نگاه جامعه‌شناختی به آن توجه می‌شود، مورد بحث قرار دهیم. یعنی بتوان گفت، آیا سبک زندگی اسلامی در مباحثات هم دخالت دارد یا خیر. در اینجا یک بحث فقهی ساده اولیه مطرح نمی‌شود که گفته شود فقه در این باره چه نظری دارد. این باید اعم از فقه باشد؛ یعنی هم فقه و هم تربیت دینی را شامل شود.

الگوی مفهومی: به منظور اجرای پژوهش حاضر، با بررسی ادبیات نظری و مصاحبه‌های اکتشافی، الگوی نظری زیر استخراج شد.



شکل ۱: الگوی مفهومی تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی:

بین مدیریت فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱- بین برنامه‌ریزی فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.

۲- بین سازمان‌دهی فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.

۳- بین بسیج منابع فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.

۴- بین هدایت و رهبری فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.

۵- بین کنترل و نظارت فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی

روش تحقیق در پژوهش حاضر، به صورت پیمایشی؛ هدف تحقیق، کاربردی؛ واحد تحلیل، فرد و سطح تحلیل، خرد می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق، شامل کلیه شهروندان ۱۵ سال به بالای ساکن در شهر تهران (تهران بزرگ)، در سال ۱۳۹۵ است که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۶۲۰ نفر تعیین شده و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با احتمال متناسب با حجم استفاده شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است که متغیر مستقل (مدیریت فرهنگی) با ۲۶ سؤال و متغیر وابسته (سبک زندگی ایرانی-اسلامی) با ۷۵ سؤال، مورد سنجش قرار گرفته‌اند. برای تنظیم پرسش‌نامه مربوط به سبک زندگی ایرانی-اسلامی، به عنوان متغیر وابسته تحقیق، از پرسشنامه استاندارد شده «کاوینی» استفاده شده؛ با این حال، محقق خود نیز روایی و پایایی آن‌ها را دوباره آزمون کرده است. متغیر مستقل تحقیق؛ یعنی مدیریت فرهنگی، بر اساس پژوهش کتابخانه‌ای و ذکر نکات مربوط به مدیریت فرهنگی هر یک از ابعاد و متغیرهای مختلف آن توسط محقق طراحی شد.

به منظور تعیین روایی ابزار تحقیق، از روش روایی صوری و مشاوره اساتید، صاحب‌نظران، محققان حوزه مدیریت فرهنگی و مدیران فرهنگی در حوزه فرهنگی که در این زمینه آگاهی داشتند، استفاده شد و پس از تأیید و تجزیه و تحلیل سؤال‌ها توسط صاحب‌نظران؛ پرسشنامه، طراحی و در مرحله بعدی برای سنجش ابزار تحقیق؛ پرسشنامه بین تعداد ۴۰ نفر از شهروندان مورد آزمایش قرار گرفت. بر اساس پیش آزمون انجام شده، مقدار آلفای کرونباخ برای سبک زندگی ایرانی-اسلامی ۰/۹۲۱ و برای مدیریت فرهنگی ۰/۹۲۴ به دست آمد که در سطح قابل قبول و مناسبی

است. جدول (۱) نتایج تحلیل روایی متغیر وابسته و متغیر مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۱: نتایج تحلیل روایی متغیرهای اصلی تحقیق

ردیف	متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب روایی
۱	سبک زندگی ایرانی اسلامی	۷۵	۰/۹۲۱
۲	مدیریت فرهنگی	۲۶	۰/۹۲۴

به منظور تشخیص سبک‌های زندگی ایرانی- اسلامی و مدیریت فرهنگی، از روش تحلیل عامل استفاده شد. بر طبق اطلاعات مندرج در جدول (۲)، می‌توان ادعا کرد که تعداد نمونه‌ها، برای اجرای تحلیل عاملی مناسب است. همچنین اندازه آماره کروییت بارتلت و سطح معناداری آن نشان می‌دهد که تفکیک عامل‌ها نیز به درستی انجام شده و سؤال‌های مندرج در هر عامل، از همبستگی ریشه‌ای بالایی برخوردار است. از طرف دیگر، با توجه به میزان واریانس تجمعی، به نظر می‌رسد که تقلیل گویه‌ها به ۸ عامل، مناسب است.

جدول ۲: ضریب KMO و آزمون بارتلت سبک‌های زندگی

معیار	مدیریت فرهنگی	سبک زندگی ایرانی اسلامی
ضریب KMO	۰/۷۴۶	۰/۶۶۸
ضریب آزمون بارتلت	۵/۷۲۵	۵/۰۹۶
درجه آزادی	۳۲۵	۷۸۰
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی:

توصیف سبک زندگی ایرانی- اسلامی

برای به دست آوردن سبک زندگی ایرانی- اسلامی، تمامی مؤلفه‌های ۱۰ گانه سبک را ترکیب کرده و سپس در جداول و نمودارهای زیر، وضعیت آماره‌های توصیفی مشخص شده است.

برای توصیف فراوانی این متغیر در بین پاسخ‌گویان جدول (۳)، نمره‌ها را به سه دسته تقسیم کردیم.

جدول (۳): توزیع آماری سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین پاسخ‌گویان

نمره‌ها	سبک زندگی ایرانی-اسلامی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی معتبر	فراوانی تجمعی
۲/۴۶-۳/۰۱	پایین	۴۲	۶/۸	۶/۸	۶/۸
۳/۰۲-۳/۵۷	متوسط	۱۲۱	۱۹/۵	۱۹/۶	۲۶/۴
۳/۵۸-۴/۱۲	بالا	۴۵۵	۷۳/۴	۷۳/۶	۱۰۰
	جمع کل	۶۱۸	۹۹/۷	۱۰۰	-

همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود؛ بیشترین درصد فراوانی در دسته بالا (۷۳/۶ درصد) و تنها ۶/۸ درصد پاسخ‌گویان، از سبک زندگی ایرانی-اسلامی پایینی برخوردارند. با مشاهده آماره‌های توصیفی، شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی وضعی در جدول زیر، اطلاعات دقیق‌تری درباره این متغیر مشخص می‌شود.

جدول ۴: توزیع آماره‌های سبک زندگی ایرانی اسلامی پاسخ‌گویان

شاخص‌های سبک زندگی ایرانی-اسلامی					
آماره	عدد	آماره	عدد	آماره	عدد
میانگین	۳/۷۳	میان	۳/۹۲	نما (مد)	۳/۹۵
حداقل	۲/۴۶	حداکثر	۴/۱۱	دامنه تغییرات	۱/۶۵
خطای انحراف معیار	۰/۰۹۸	واریانس	۰/۱۴۹	انحراف معیار	۰/۳۸۶

همان‌طور که جدول (۴) نشان می‌دهد؛ مقدار میانگین برای سبک زندگی ایرانی-اسلامی شهروندان، برابر با ۳/۷۳ در بازه ۲/۴۶-۴/۱۱ است؛ به این معنی که متوسط نمره‌های نمونه در این شاخص، در دسته سوم (سبک زندگی ایرانی-اسلامی بالا) قرار گرفته است. خطای استاندارد از میانگین (۰/۰۹۸) مقدار انحراف نمره‌ها را از میانگین نشان می‌دهد. مقدار میان (۳/۹۲) نشان می‌دهد که نمره سبک زندگی ایرانی-اسلامی ۵۰ درصد از نمونه کمتر از ۳ و نمره ۵۰ درصد بیش از ۳ است. کمی دقت در معنای این شاخص، نشان می‌دهد؛ نیمی از شهروندان در شهر تهران، از سبک زندگی ایرانی-اسلامی بالایی برخوردارند. نما برابر با ۳/۹۵ است؛ یعنی بیشترین فراوانی در نمره ۳ مشاهده شده است که نزدیک به میانگین است.

توصیف مدیریت فرهنگی

متغیر مدیریت فرهنگی پاسخ‌گویان، با ۲۶ گویه در طیف ۵ تایی لیکرت طراحی شده بود و پس از هم‌ارز شدن با هم ترکیب و سنجیده شد. مجموع نمره‌های پاسخ‌گویان به این ۲۶ گویه، به عنوان مدیریت فرهنگی در نظر گرفته شد. بازه نمره‌های این متغیر بین ۱/۴۵ تا ۴/۱۰ است که نمره ۱/۴۵، نشان‌دهنده مدیریت فرهنگی پایین و ۴/۱۰ نشان‌دهنده بالا بودن آن از نظر شهروندان تهرانی است. در جداول و نمودارهای زیر، وضعیت آماره‌های توصیفی مشخص شده است. برای توصیف فراوانی این متغیر در بین پاسخ‌گویان، نمره‌ها به سه دسته زیر تقسیم می‌شوند:

جدول ۵: توزیع آماری مدیریت فرهنگی

نمره‌ها	مدیریت فرهنگی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی معتبر	فراوانی تجمعی
۱/۴۵-۲/۳۳۳	پایین	۲۲۹	۳۹/۹	۳۹/۹	۳۹/۹
۲/۳۳۳-۳/۲۱۶	متوسط	۳۴۳	۵۳/۳	۵۳/۳	۹۲/۳
۳/۲۱۶-۴/۱۰	بالا	۴۸	۷/۷	۷/۷	۱۰۰
جمع کل		۶۲۰	۱۰۰	۱۰۰	-

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود؛ بیشترین درصد فراوانی در دسته متوسط رو به پایین (۹۲/۳۲ درصد) است که نشان‌دهنده مدیریت فرهنگی متوسط رو به پایین، از نظر شهروندان تهرانی است و تنها ۷/۷ درصد پاسخ‌گویان معتقدند که دولت از مدیریت فرهنگی بالایی برخوردارند. با مشاهده آماره‌های توصیفی، شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی وضعی در جدول زیر، اطلاعات دقیق‌تری درباره این متغیر مشخص می‌شود.

جدول ۶: توزیع آماره‌های مدیریت فرهنگی

شاخص‌های مدیریت فرهنگی					
آماره	عدد	آماره	عدد	آماره	عدد
میانگین	۲/۴۸	میانانه	۲/۴۳	نما (مد)	۲/۴۹
حداقل	۱/۴۵	حداکثر	۴/۱۰	دامنه تغییرات	۲/۶۵
خطای انحراف معیار	۰/۱۷	واریانس	۰/۱۹۵	انحراف معیار	۰/۴۴۱

همان‌طور که جدول (۶) نشان می‌دهد؛ مقدار میانگین برای مدیریت فرهنگی از نظر شهروندان تهرانی برابر با ۲/۴۸ در بازه ۱/۴۵-۴/۱۰ است؛ به این معنی که متوسط نمره‌های نمونه در این شاخص، در دسته دوم (مدیریت فرهنگی در حد متوسط) قرار

گرفته است. خطای استاندارد از میانگین (۰/۰۱۷)، مقدار انحراف نمره‌ها را از میانگین نشان می‌دهد. مقدار میانه (۲/۴۳) نشان می‌دهد که نمره مدیریت فرهنگی ۵۰ درصد از نمونه بیش از ۲ است. کمی دقت در معنای این شاخص نشان می‌دهد که نیمی از شهروندان در شهر تهران معتقدند؛ دولت در زمینه مدیریت فرهنگی در حد ضعیف عمل کرده است. نما برابر با ۲/۴۹ است؛ یعنی بیشترین فراوانی در نمره ۲ مشاهده شده است که پایین‌تر از میانگین است.

ب) یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیات پژوهش

در این بخش، به بررسی فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود. از آنجا که سطح سنجش متغیرهای مورد بررسی، فاصله‌ای است؛ در آزمون رابطه متغیر مدیریت فرهنگی و ابعاد آن با سبک زندگی ایرانی-اسلامی از آزمون همبستگی پیرسون (در جایی که توزیع هر دو متغیر نرمال بود) و اسپیرمن (توزیع لاقبل یکی از متغیرهای کمی غیرنرمال بود) استفاده شد که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۷: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها

شماره	فرضیه‌ها	میزان همبستگی	سطح معناداری	نتایج
۱	بین مدیریت فرهنگی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.	۰/۲۷۷	۰/۰۰۴	تأیید HI
۲	بین برنامه‌ریزی فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.	۰/۲۶۰	۰/۰۰۰	تأیید HI
۳	بین سازمان‌دهی فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.	۰/۰۳۴	۰/۴۰۱	تأیید HI
۴	بین بسیج منابع و امکانات فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.	۰/۰۲۰	۰/۶۱۵	تأیید H0
۵	بین هدایت و رهبری فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.	۰/۱۴۱	۰/۰۰۰	تأیید H0
۶	بین کنترل و نظارت فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد.	۰/۰۲۸	۰/۴۸۴	تأیید HI

در خصوص فرضیه (۱)، نتایج جدول حاکی از آن است که بین مدیریت فرهنگی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی آنان رابطه معناداری ($\text{sig}=0/000$) وجود دارد و این رابطه یک رابطه مثبت و ضعیف (۰/۲۷۷) است؛ به عبارتی دیگر، هر چه مدیریت

فرهنگی بالاتر باشد؛ میزان سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین شهروندان بیشتر است و در مقابل، هر چه مدیریت فرهنگی در بین مدیران پایین تر باشد؛ میزان سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین آنان کمتر است.

در خصوص برخی فرضیه‌های تحقیق مرتبط با ابعاد مدیریت فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، نتایج جدول حاکی از آن است که بین سازمان‌دهی فرهنگی، بسیج منابع و امکانات فرهنگی و کنترل و نظارت فرهنگی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی رابطه معناداری (بالاتر از $sig=0/05$) وجود ندارد و سطح معناداری بزرگ‌تر از $0/05$ است و همبستگی بین متغیرهای مدیریت فرهنگی و متغیر سبک زندگی ایرانی-اسلامی پیش گفته بالا، رابطه معنادار نبوده و این رابطه یک رابطه ضعیف است؛ اما از بین پنج مؤلفه مدیریت فرهنگی، مؤلفه‌های برنامه‌ریزی فرهنگی ($sig=0/000$) و هدایت و رهبری ($sig=0/000$) با سبک زندگی ایرانی-اسلامی رابطه آماري معناداری وجود دارد؛ از طرفی، مقدار این رابطه برای مؤلفه‌های برنامه‌ریزی فرهنگی و هدایت و رهبری فرهنگی، به ترتیب برابر $0/260-$ و $0/141$ است که این دلالت بر همبستگی ضعیف؛ اما مثبت بین متغیرهای برنامه‌ریزی فرهنگی و هدایت و رهبری فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی دارد. به این معنا که هر چه برنامه‌ریزی فرهنگی و هدایت و رهبری فرهنگی توسط مدیران فرهنگ دولتی بالاتر و بهتر باشند؛ سبک زندگی ایرانی-اسلامی، در بین شهروندان تهرانی بیشتر است و برعکس هر چه برنامه‌ریزی فرهنگی و هدایت و رهبری فرهنگی توسط مدیران فرهنگی برای شهروندان ضعیف‌تر باشد؛ سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین آنان بالاتر است.

بر اساس تحلیل رگرسیونی انجام شده مؤلفه‌های متغیرهای مستقل برنامه‌ریزی فرهنگی، سازمان‌دهی فرهنگی، بسیج منابع و امکانات فرهنگی و هدایت و رهبری فرهنگی از ابعاد مدیریت فرهنگی، با متغیر سبک زندگی ایرانی-اسلامی ارتباط معناداری دارند که در این بین به ترتیب، متغیر برنامه‌ریزی فرهنگی با ضریب $B=0/271$ ، هدایت و رهبری فرهنگی با $B=0/220$ ، سازمان‌دهی فرهنگی با $B=0/122$ و بسیج منابع و امکانات فرهنگی با $B=-0/110$ ، تغییرات سبک زندگی

ایرانی-اسلامی را تبیین می‌کنند؛ اما مؤلفه کنترل و نظارت فرهنگی، توان پیش‌بینی حیطة سبک زندگی ایرانی-اسلامی را ندارد. از طرفی، در این همبستگی، میزان همبستگی تفکیکی متغیر برنامه‌ریزی فرهنگی با متغیر سبک زندگی ایرانی-اسلامی (۰/۲۷۱)، بیشتر از میزان همبستگی سایر متغیرها با سبک زندگی ایرانی-اسلامی است. لازم به ذکر است که این ضریب، میزان همبستگی بین یک متغیر مستقل با متغیر وابسته را، پس از حذف میزان همبستگی این دو متغیر با سایر متغیرهای مستقل، نشان می‌دهد. همچنین نتایج مربوط به مدیریت فرهنگی نشان داد که در کل، متغیر مستقل مدیریت فرهنگی با هم می‌توانند ۰/۲۷۷ تغییرات مربوط به حیطة سبک زندگی ایرانی-اسلامی را پیش‌بینی کنند.

جدول ۸: ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون برای متغیر سبک زندگی ایرانی-اسلامی

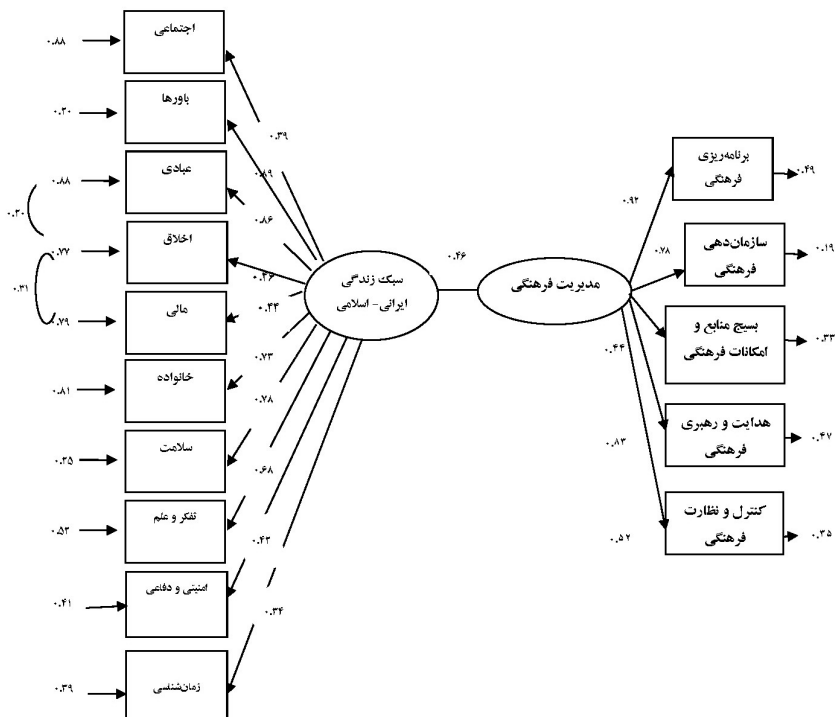
متغیر مدیریت فرهنگی	برنامه‌ریزی فرهنگی	سازمان‌دهی فرهنگی	بسیج منابع و امکانات فرهنگی	هدایت و رهبری فرهنگی	کنترل و نظارت فرهنگی	ضریب تعیین شده
مدل	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۵۴	۰/۲۶۸
رگرسیونی	۰/۲۷۱	۰/۱۲۲	-۰/۱۱۰	۰/۲۲۰	۰/۰۷۱	

*** $p \leq 0/001$ ** $p \leq 0/01$ * $p \leq 0/05$

آزمون نیکوئی برازش

به منظور بررسی نیکوئی برازش الگوی تحلیلی این تحقیق، از نرم‌افزار آماری لیزرل استفاده شده است. اندازه شاخص‌های نیکوئی برازش، تطابق الگوی نظری و تجربی را بر اساس داده‌های این تحقیق مورد تأیید قراردادند. شاخص CFI یک الگوی مستقل که در آن هیچ ارتباطی بین متغیرها وجود ندارد را با الگوی پیشنهادی مقایسه می‌کند. در این الگو، این شاخص برابر ۰/۹۳ است که نشان‌دهنده ارتباط خوب متغیرها در این الگو می‌باشد. آماره جذر برآورد واریانس تالی تقریبی (RMSEA) که برای الگوهای خوب، کمتر و یا برابر ۰/۰۵ است؛ در این الگو ۰/۰۴۶ می‌باشد که نشان‌دهنده نیکوئی برازش الگوی پیشنهادی و تطابق آن با الگوی تجربی است. ضریب تبیین الگو نیز ۰/۰۴۶ است. در واقع طبق الگو، متغیرهای مستقل، ۰/۴۶ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. این ضریب قابل اعتماد است؛ زیرا آماره‌های کل نشان‌دهنده الگوی خوب هستند. در واقع آمار RMSEA زیر ۰/۵ نشان‌دهنده قوی بودن کلی الگو است که در اینجا کمتر از ۰/۵ می‌باشد (۰/۴۶).

نمودار ۱: الگوی معادلات ساختاری (لیزرل) بین مدیریت فرهنگی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی



Chi-square=195/57 df=41 p-value=0/000 RMSEA=0/046

بحث و نتیجه‌گیری

نوعی از سبک زندگی که تناسب زیادی با فرهنگ اسلامی-ایرانی و مدیریت فرهنگی جامعه ایران دارد؛ سبک زندگی اسلامی است که در آن عمق عواطف، نگرش‌های فرد و اعتقادات وی سنجیده نمی‌شوند، بلکه رفتارهای فرد مورد سنجش قرار می‌گیرند؛ اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد. یکی از عوامل مؤثر در سبک زندگی اسلامی، آن است که اسلام و سبک زندگی اسلامی، به صورت همه یا هیچ نمی‌باشد، بلکه یک پیوستار بزرگ است که مراتب پایین، متوسط و بالا دارد؛ از این رو مطالعه حاضر، رابطه مدیریت فرهنگی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی را در بین شهروندان در شهر تهران مورد بررسی قرار داد. نتایج بررسی تحلیل توصیفی نشان داد که مقدار

میانگین برای سبک زندگی ایرانی-اسلامی شهروندان، برابر با ۳/۷۳ در بازه ۲/۴۶-۴/۱۱ بود؛ به این معنی که متوسط نمره‌های نمونه در این شاخص، در دسته سوم (سبک زندگی ایرانی-اسلامی بالا) قرار گرفته بود. همچنین مقدار میانه (۳/۹۲) نشان می‌دهد که نمره سبک زندگی ایرانی-اسلامی ۵۰ درصد از نمونه کمتر از ۳ و نمره ۵۰ درصد بیش از ۳ بود. کمی دقت در معنای این شاخص، نشان می‌دهد که نیمی از شهروندان در شهر تهران، از سبک زندگی ایرانی-اسلامی بالایی برخوردارند. همچنین از بین مؤلفه‌های یازده‌گانه سبک زندگی ایرانی-اسلامی، بیشترین میانگین متعلق به متغیر سبک زندگی عبادی با مقدار ۳/۹۱ است؛ به این معنا که از بین انواع سبک زندگی در بین کارکنان، سبک زندگی عبادی که شامل «احترام عملی به جلد و صفحات قرآن کریم را غیرضروری می‌دانم»؛ «به کعبه و در مرتبه بعد، مسجدالاقصی احترام می‌گذارم»؛ «تلاش می‌کنم نمازهای واجب خود را به جماعت بخوانم»؛ «مدتی از شب را به عبادت می‌پردازم»؛ «معمولاً در نماز جمعه شرکت می‌کنم و از عبادت خدا احساس کسالت نمی‌کنم» می‌شود که نسبت به سایر سبک‌ها تأثیری بیشتری بر روی مدیریت فرهنگی دارد؛ بنابراین از آنجاکه جامعه ایرانی (شهروندان تهرانی) هم پایبند به سنت‌ها و موازین دینی (به خصوص در ابعاد اعتقادی و عاطفی) هستند و هم در معرض مدرنیته بوده (به نظر گیدنز) و از طریق دانشگاه، اینترنت، سفر، تبلیغات گسترده و دانش امروزی با خصوصیات به خصوص مادی و مصرف تظاهری مدرنیته آشنا می‌شوند؛ بنابراین، دائماً در حال تعارض و گذر از این مرحله‌اند و توجه به این نوع سبک زندگی (مذهبی و اعتقادی)، باعث بالا رفتن میزان توجه مدیریت فرهنگی در بین شهروندان می‌شود.

در خصوص مدیریت فرهنگی و ابعاد آن نتایج یافته‌ها حاکی از آن بود که بیشتر از ۷۰ درصد پاسخ‌گویان معتقد بودند که دولت از برنامه‌ریزی فرهنگی پایینی در خصوص فعالیت‌های فرهنگی منطبق بر دستورات و تعالیم و آموزه‌های اسلامی برخوردار است و همچنین توزیع فراوانی مدیریت فرهنگی در بعد سازمان‌دهی فرهنگی، بسیج منابع و امکانات فرهنگی (میانگین ۲/۴۳ در بازه ۱-۵)، هدایت و رهبری (میانگین ۲/۶۳ در بازه ۱-۵)، کنترل و نظارت فرهنگی (میانگین ۲/۵۱ در بازه ۱-۵)

حاکمی از آن بود که مدیران فرهنگی دولت در زمینه یاد شده منطبق بر دستورات و تعلیم و آموزه‌های اسلامی موفق عمل نکرده‌اند. پس می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت فرهنگی در تمامی ابعاد آن، از جمله برنامه‌ریزی فرهنگی، سازمان‌دهی فرهنگی، بسیج منابع و امکانات فرهنگی، هدایت و رهبری، کنترل و نظارت فرهنگی پایین است؛ بنابراین امروزه، مدیریت فقط حاصل یک تجربه نیست؛ بلکه مدیریت یک دانش است. مدیریت فرهنگی نیز دانشی گسترده بوده و لازم است مدیران ما، از حداقل مبانی علوم انسانی اطلاعات لازم را داشته باشند. چگونه می‌توان در یک جامعه، کار فرهنگی کرد و مدیر فرهنگی از تاریخ، فلسفه، معرفت دینی، هنر و... اطلاع نداشته باشد؟ که البته یکی از مشکل‌های جدی ما همین امر است که بسیاری از مدیران فرهنگی از حداقل‌های لازم در حوزه علوم انسانی بی‌اطلاع هستند. مقدار میانگین برای مدیریت فرهنگی از نظر شهروندان تهرانی، برابر با ۲/۴۸ در بازه ۱/۴۵-۴/۱۰ است؛ به این معنی که متوسط نمره‌های نمونه در این شاخص، در دسته دوم (مدیریت فرهنگی در حد متوسط) قرار گرفت. مقدار میانه (۲/۴۳) نشان داد که نمره مدیریت فرهنگی ۵۰ درصد از نمونه بیش از ۲ است. کمی دقت در معنای این شاخص، نشان می‌دهد که نیمی از شهروندان در شهر تهران، معتقدند که دولت در زمینه مدیریت فرهنگی در حد ضعیف عمل کرده است.

نتایج یافته‌های تحقیق در خصوص برخی فرضیه‌های تحقیق مرتبط با ابعاد مدیریت فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، حاکمی از آن است که بین سازمان‌دهی فرهنگی، بسیج منابع و امکانات فرهنگی و نظارت فرهنگی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی رابطه معناداری (بالاتر از $sig=0/05$) وجود ندارد؛ اما از بین پنج مؤلفه مدیریت فرهنگی، مؤلفه‌های برنامه‌ریزی فرهنگی ($sig=0/000$) و هدایت و رهبری ($sig=0/000$) با سبک زندگی ایرانی-اسلامی، رابطه آماری معناداری وجود دارد؛ از طرفی، مقدار این رابطه برای مؤلفه‌های برنامه‌ریزی فرهنگی و هدایت و رهبری فرهنگی به ترتیب برابر $0/260-$ و $0/141-$ است که دلالت بر همبستگی ضعیف؛ اما مثبت بین متغیرهای برنامه‌ریزی فرهنگی و هدایت و رهبری فرهنگی با سبک زندگی ایرانی-اسلامی دارد؛ به این معنا که هر چه برنامه‌ریزی

فرهنگی و هدایت و رهبری فرهنگی، توسط مدیران فرهنگی دولت بالاتر و بهتر باشند؛ سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین شهروندان تهرانی بیشتر است و برعکس، هر چه برنامه‌ریزی فرهنگی و هدایت و رهبری فرهنگی توسط مدیران فرهنگی برای شهروندان ضعیف‌تر باشد؛ سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین آنان بالاتر است. پس می‌توان عنوان کرد که مؤلفه برنامه‌ریزی فرهنگی و پس از آن، مؤلفه هدایت و رهبری فرهنگی از بیشترین اهمیت در شناسایی نقش مدیریت فرهنگی در مواجهه با سبک زندگی ایرانی-اسلامی برخوردار هستند. این نشان می‌دهد که مدیریت فرهنگی در فعالیت‌ها و رسالت خود به این مهم پرداخته و مؤلفه‌های مزبور به ویژه در سیاست‌گذاری‌ها و اتخاذ راهبردها و برنامه‌ریزی‌ها، مدنظر مدیران فرهنگی قرار گیرد. در خصوص مؤلفه هدایت و رهبری فرهنگی نیز با توجه به اهمیتی که این حوزه با عنوان بیرونی‌ترین مؤلفه اثرگذار در مدیریت فرهنگی محسوب می‌شود؛ با ساماندهی، تنوع، تقویت و تغییر در هدایت و رهبری به گسترش سبک زندگی ایرانی-اسلامی برسیم.

پیشنهادها

۱- با توجه به نتایج به دست آمده از اعتباریابی الگوی لیززل و همچنین پرسشنامه طراحی شده منطبق با آن و با در نظر گرفتن زمان و شیوه اجرا و سهولت نمره‌گذاری و تفسیر نتایج، این الگو و پرسشنامه آن، نظام مناسبی برای تشخیص عارضه‌های مدیریت فرهنگی حوزه توسعه مدیریت است و سازمان‌های فرهنگی، می‌توانند با استفاده از این الگو، نیازهای حقیقی را مورد شناسایی و اولویت‌بندی قرار دهند و مسیر تعالی مدیریت فرهنگی را با تمرکز بر اولویت‌های ضروری هموار کنند.

۲- محیط و فرهنگ یک جامعه، نقش مهمی در اخلاق و رفتار مردم و سبک زندگی آن جامعه دارند و یکی از بهترین و مهم‌ترین راه‌ها، برای جایگزینی سبک زندگی اسلامی بین مردم، اصلاح فرهنگ آن جامعه است و این مهم، محقق نمی‌شود مگر با دو عنصر «آموزش و تبلیغ» که باید با ابزارهای گوناگون مدیریت شوند. با این ابزارها می‌توان، فرهنگ‌سازی کرد؛ فرهنگی را عوض کرد و آداب و رسوم نادرست جامعه را

از بین برد و در این راستا، هر کس به قدر و اندازه خود، مکلف و مسئول است و باید در پیشگاه خداوند متعال پاسخگو باشد.

۳- با توجه به رابطه معنادار بین برنامه‌ریزی فرهنگی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی و تبیین بالا و نقش این متغیر در تغییرات سبک زندگی؛ پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های متولی فرهنگ، ضمن تقویت برنامه‌ریزی و خط‌مشی‌های فرهنگی، تأمین بودجه و منابع مالی، برنامه‌های منعطف فرهنگی و مقررات فرهنگی منطبق بر رفتارهای متناسب با دستورات و تعالیم و آموزه‌های اسلامی (مانند عبادت، باورها، سلامت، اوقات فراغت و ...) که عامل مؤثری در افزایش سبک زندگی ایرانی-اسلامی به شمار می‌آید؛ زمینه برنامه‌ریزی فرهنگی به خصوص در زمینه ارتقای سطح کیفی سبک اسلامی را برای شهروندان فراهم کنند. البته لازم به ذکر است که در تقویت سبک ایرانی-اسلامی، باید به بعد اعتقادی و عملی (رفتاری) دین‌داری تأکید شود.

۴- با توجه به تأیید رابطه مدیریت فرهنگی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی؛ برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فرهنگی، می‌توانند با استفاده از نتایج به دست آمده؛ برنامه‌ها و سیاست‌هایی، از جمله فراهم کردن برنامه‌های آموزشی، فرهنگی، تفریحی-ورزشی، فعالیت‌های هنری و... -توسط سازمان‌های مرتبط- در جهت ارتقا و بالا بردن سبک زندگی ایرانی-اسلامی شهروندان تهیه و اجرا کنند.

۵- تأکید بیشتر بر حضور گروه‌های مرجع، شامل علما و روحانیون، شخصیت‌های دانشگاهی، کشوری، هنرمندان و متخصصان علمی، در بحث سبک زندگی ایرانی-اسلامی و پخش دیدگاه‌های آنان در این مورد، با توجه به الگو بودن بسیاری از آنان برای شهروندان جهت ارتقای سبک زندگی ایرانی-اسلامی، در قالب برنامه‌های فرهنگی و هنری از طریق سازمان‌های فرهنگی.

۶- با توجه به آنکه بنیادی‌ترین روش برای بالا بردن سبک زندگی ایرانی-اسلامی شهروندان، گسترش برنامه‌ریزی برای تدوین طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی منطبق بر رفتارهای متناسب با دستورات و تعالیم و آموزه‌های اسلامی (مانند عبادت، باورها، سلامت، اوقات فراغت و ...) توسط مدیران فرهنگی دولت است؛ مسئولان و معاونان از طریق برنامه‌ریزی جهت تقویت باورهای دینی شهروندان و شناخت بیشتر نوع سبک

زندگی آنان به خصوص در جوانی، زمینه لازم را برای ارتقای سبک زندگی ایرانی-اسلامی آنان فراهم کنند.

۷- با توجه به یافته‌های به دست آمده تحقیق، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فرهنگی، می‌توانند برنامه‌ها و سیاست‌هایی جدیدی را از جمله فراهم کردن برنامه‌های فعالیت‌های فراغتی توسط سازمان‌های فرهنگی، در جهت ارتقای سبک زندگی ایرانی-اسلامی ارائه کنند.

منابع

- استاگی، زهرا؛ اکبرزاده، رویا؛ تدین فر، موسی‌الرضا و لادن نجار (۱۳۸۶). ارزیابی سبک زندگی مردم سبزوار، *مجله دانشکده پزشکی*، ۳، (۳) ۱۳۹-۱۳۴.
- آقا باقری، زهرا (۱۳۹۳). بررسی رابطه ابعاد سبک زندگی اسلامی با سلامت روان نوجوانان پسر، *مجله حدیث زندگی*، شماره ۴۱.
- آقایی، وحیده (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سبک زندگی و عمل به باورهای دینی با رضایت زناشویی در دبیران زن متاهل جوان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- بنت، اندی (۱۳۸۶). *فرهنگ و زندگی روزمره*، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، چاپ اول، تهران: نشر اختران.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۹). *تمايز*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات ثالث.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۱). *نظریه کنش اجتماعی*، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش و نگار.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۵). *جامعه برخوردار سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی*، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه کیان تاجبخش؛ افشین خاکباز و حسین پویان، تهران: نشر شیرازه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۴). *تفسیر موضوعی قرآن مجید*، تهران: نشر رجاء.
- دالوندی، اصغر؛ مداح سادات، سید باقر؛ خانکه، حمیدرضا؛ پروانه، شهریار؛ بهرامی،

- فاضل؛ حسام زاده، علی و همکاران (۱۳۹۱). تبیین سبک زندگی سلامت محور مبتنی بر فرهنگ اسلامی، **مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت**.
- رعنائی، محمد اسماعیل و اکبر علیوردی نیا (۱۳۸۸). بررسی آثار دین داری و جهت گیری دینی بر سلامت روانی دانشجویان دانشگاه مازندران، **مجله علوم اجتماعی**، دانشکده ادبیات و علوم اجتماعی فردوسی مشهد، سال پنجم.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱). **اخلاق و سبک زندگی اسلامی**، قم: معارف.
- صالحی امیری، سید رضا و عظیمی دولت آبادی (۱۳۸۷). **مبانی سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی**، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- صالحی امیری، سیدرضا؛ افشاری و افسر نادری (۱۳۸۹). **مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران**، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۹.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). **مصرف و سبک زندگی**، قم: انتشارات صبح صادق.
- قاسمی، رخشنده (۱۳۹۱). **بررسی ارتباط بین نقش مدیریت، خشنودی شغلی و عوامل مؤثر بر فشار روانی با سلامت روان پرستاران طرح تحقیقاتی**، مرکز تحقیقات جهاد دانشگاهی تهران.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۰). **کمی سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی**، روانشناسی و دین.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). **راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲). **میزان الحکمه**، دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ج ۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). **پانزده گفتار**، انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸). **اخلاق در قرآن**، قم: انتشارات مدرسه امام علی ابن ابیطالب، جلد دوم.
- پورمهدوی، نیلی (۱۳۸۶). **بهشت اخلاق**، اصفهان: موسسه‌ی انتشاراتی ولی عصر.
- موسمی، احمد (۱۳۹۱). **رابطه سبک زندگی مردان با رضایت همسران آنها**

- در شهر مشهد در سال ۱۳۹۱، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ویر، ماکس (۱۳۸۴). *روشن شناسی علوم اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، نشر مرکز.
- Allred, K.D. & Smith, T.W.(1989). The hardly personality: Cognitive and physiologica responses to evaluative threat. *Journal of Personality and Social Psychology*, 56, 257-266.
- Andrews, F.M (1989). *Social indicators of Well -being*. NewYork; Plenum.
- Apinwall, L. Richter, L. and Hoffman, R(2001). Understanding how optimism works: an examination of optimism, adaptive moderation of belief and behavior. In E. Chang *Optimism and Pessimism: Implication for Theory, Research and Practice* (pp. 217-38). Washington, DC: APA.
- Argyle, M. (2001). "Personality, Self-Esteem and Demographic Predictions of Happiness and Depression", the *Journal of Personality & Social Psychology*, 32 (8), P.912-920.
- Berger, David. (2001), "life styles". London: Rutledge.
- Cantor. N. & Sanderson, C.A.(1999). Life task satisfaction and well-being. In D. Kahneman, E. Diener, & N. Schwarz(Eds). *Understanding Quality of life*. Russell sage, pp.230-243.
- Cheryl,William C. (2005),"Alfred and Abel. Thomas Conceptualizing Contemporary Health Lifestyles: Moving Beyond Weber. *The Sociological Quarterly*. www.proquest.com.
- Fahey T, Insel P, Roth W. *Fit & Well: Core Concepts and Labs in Physical Fitness and Wellness*. New York, NY: McGraw - Hill Higher Education;2009.
- Kvrham et al. (2005). "Cape Verdean women and globalization: the politics of gender,culture, and resistance". *Contemporary Sociology: A Journal of Reviews*, 41(1), 71-113.
- Lim, C. Putnam, R. D. 2010. " Religion, Social Networks, and Life Satisfaction",*American Sociological Review*, 75 (6): 914-933.
- Lyvby et al,(2001). life style, stress and immune function in indigenous: the health impacts of rapid social and economic change, *American journal of physical anthropology*,no,573.
- Parnel, C.J. (2006) *The Relationship life style Police Officers International Review of Modern Sociology, Vol. 24 No.1, pp.109-116*.
- Rule, Warren R./ Bishop, Malachy.(2006), *Adlerian Lifestyle Counseling*. Routledge.

- Wagner, L. (2010) Inferring Meaning from Syntactic Structures in Acquisition: The Case of Transitivity and Telicity. *Language and Cognitive Processes* 25, 1354 - 1379.

Archive of SID